

مقایسه پته‌دوزی و سوزن‌دوزی بلوچی

مرضیه دوست محمدی / دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.*
md.mohammadi@gmail.com

چکیده

پته‌دوزی، نوعی سوزن‌دوزی در شهر کرمان است. این هنر، تجلی‌گاه باورهای اعتقادی و فرهنگی مردم این خطه با حفظ ارزش‌های هنری و نمادین آن است. زنان هنرمند کرمانی با مهارت‌های خود، شال را صحنه جلوه‌گری نیازها، آرمان‌ها، آلام و خواسته‌هایی می‌سازند که ریشه در اعتقادات ایشان دارد. بلوچی‌دوزی یکی از قدیمی‌ترین هنرهایی است که در میان ملل مختلف پیشینه‌ای دیرین دارد. از جمله، در میان مردم بلوچ در ایران، این هنر به زیبایی تمام در روش‌های مختلف به کار برده شده است که علاوه بر تکنیک‌های گوناگون مورد استفاده، از نقوش مختلفی در طراحی آن استفاده کرده‌اند. این طرح و نقش‌ها ریشه‌ای عمیق در فرهنگ و شیوه زندگی آنان دارد. این پژوهش بر مبنای این فرضیه که نقوش در هنر پته‌دوزی بلوچی‌دوزی، مبتنی بر فرهنگ و اقلیم مردم منطقه شکل گرفته است، با رویکردی نمادشناسانه به مطالعه و بررسی آن نقوش پرداخته و درصدد یافتن رابطه معنادار میان نقوش در این پژوهش، به تحلیل و یافتن مفاهیم آن‌ها با مراجعه به فرهنگ، اعتقادات و باورهای رایج مردم کرمان و بلوچستان پرداخته شده است. شیوه گردآوری مطالب و داده‌های مورد استفاده کتابخانه‌ای بوده است که با رویکرد توصیفی و تحلیلی به انجام رسیده است. در نهایت، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اکثر نقوش‌ها برگرفته از تصورات و تخیلات ذهنی هستند، نقش و نگاره‌ها عامیانه و معمولاً دارای نام خاص نیستند.

کلیدواژه‌ها: پته‌دوزی، بلوچی‌دوزی، نقوش، دوخت، رنگ.

Comparison of Patch and Balochi Needlework

Marzieh Doostmohammadi / Master's student in Islamic Art, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

md.mohammadi@gmail.com

Abstract

Patch is a type of needlework in Kerman city. This art is a manifestation of the religious and cultural beliefs of the people of this region while preserving its artistic and symbolic values. With their skills, female artists of Kermani make the shawl a stage for manifesting their needs, ideals, pains, and desires, which are rooted in their beliefs. Baluchi embroidery is one of the oldest arts with a long history in different nations. For example, among the Baloch people in Iran, this art has been used beautifully in different ways; in addition to the various techniques, they have used other motifs in its design. These plans and roles have deep roots in their culture and way of life. Based on the hypothesis that motifs in the art of Baluchi embroidery are formed based on the culture and climate of the region's people, this research studies and examines those motifs with a symbological approach and tries to find a meaningful relationship between the motifs. This research has analyzed and discovered their concepts by referring to the culture, beliefs, and shared beliefs of the people of Kerman and Baluchistan. Collecting the materials and data used by the library was done with a descriptive and analytical approach. Finally, the research findings show that most characters are derived from imaginations and imaginations; the characters and images are popular and usually do not have specific names.

Keywords: patch, Baluchi embroidery, motifs, stitching, color.

مقدمه

سوزن‌دوزی هنری برگرفته از ذوق و سلیقه فرد هنرمند در زندگی ساده و دور از تجمل مردم بلوچ است. مهم‌ترین وسیله تزئین لباس، همین کار است. این هنر از زندگی و سنی قوم بلوچ ریشه گرفته است که آن را مادران هنرمند به دختران خود آموزش می‌دهند. در بلوچستان انواع مختلفی از سوزن‌دوزی‌ها را می‌توان دید که توسط دستان ظریف زنان و دختران و بلوچ روی پارچه در نهایت ظرافت و زیبایی دوخته می‌شوند (ناصر، ۱۳۴۴: ۲۱-۲۸). در بلوچی دوزی از طرح‌های هندسی و گاه غیرهندسی، مانند انواع گل و بوته‌ها استفاده می‌شود که طرح‌های غیرهندسی برای تزئین پرده پشتی سفره دستمال به کار می‌رود و این طرح‌ها به صورت قرینه دوخته می‌شود. در برخی از سوزن‌دوزی‌ها که برای آویختن به دیوار تهیه می‌شود، اسامی پیامبر، ائمه و یا اسماء خدا و جملات دینی به چشم می‌خورد. علاوه بر این، نوارهای سوزن‌دوزی به مصرف لبه چادر یا مصارفی دیگر می‌رسد (همان). مواد اولیه اصلی سوزن‌دوزی نخ و پارچه است. نخ را در رنگ‌های مختلف و بیشتر به رنگ تیره و ۸۰ درصد انواع رنگ قرمز انتخاب می‌کنند (همت، ۱۳۷۰: ۸). ترتیب رنگ‌ها در سوزن‌دوزی اهمیت زیادی دارد و اگر رنگ‌ها جابه‌جا شوند از قانون دوخت سرپیچی شده و زیبا به نظر نمی‌رسد، ترتیب رنگ‌ها در هر منطقه‌ای متفاوت است (همت، ۱۳۷۰: ۶۱). نقش‌های عامیانه بلوچ پیچیدگی و ابهامی ندارد. هر نقش از ترکیب خط‌ها شکل می‌گیرد. خطوط هندسی سه گوش و چهارگوش و خطوطی که با تلفیق به یکدیگر چند ضلعی می‌شود و تداخل اشکال در یکدیگر طرح‌های مختلفی را می‌سازد (ناصری، ۱۳۵۸: ۹). ذبیح‌الله ناصح در کتاب *بلوچستان* خود نقش‌های سوزن‌دوزی راه به طرح‌های تاری چشم گل و حاشیه تقسیم کرده است. به طور کلی، طرح‌ها به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شوند که از به هم پیوستن چند طرح ساده طرح مرکبی تشکیل می‌شود. منظور از ساده سادگی نوع دوخت نیست، بلکه به معنی معرفی یک نقش است (همت، ۱۳۷۰: ۸). توجه خاص به انتخاب رنگ‌های متنوع استفاده از اشکال هندسی و نقوش رمز آلود تنوع در طرح‌های نامحدود سوزن‌دوزی و ظرافت دوخت‌های که به سبب الهامات عینی و ذهنی صورت گرفته خود یکی از شاخصه‌های مهم در این هنر است و توجه به همین امر سبب شده سوزن‌دوزی بلوچ با سایر هنرهای دستی ایرانی متمایز گردد و این هنر رویایی چشم هست بیننده‌ای راه به خود خیره نماید. تاریخچه سوزن‌دوزی و

زمان رواج آن به عنوان یک هنر به طور کلی مشخص نیست. سوزن‌دوزی با طبیعت رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. پس می‌توان آن را در نماد و سرشت آن کار یافت (افروغ، ۱۳۸۸: ۴۵). نقوش پته بیشتر شامل برداشت مینیاتوری از طبیعت به خصوص درخت سرو و انواع گل‌ها است. پته با برخورداری از رنگ و طرح خاصی که دارد معرف بافنده و محل بافت آن است. از پته به عنوان رومی‌زی پرده رو تختی روبالشی و حتی یک اثر تزئینی استفاده می‌شود. در گذشته، برای دوخت دامن کت و پالتوهای زنانه نیز استفاده می‌شد. نام دیگر این هنر سلسله‌دوزی است. در *لغت‌نامه دهخدا* واژه «پت» چنین تعریف شده است: پشم نرمی که از بن موی بز روید و آن را به شانه برآرند و از آن شال بافند (تهامی، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۷). پته‌دوزی که هم‌اکنون تولید آن در کرمان سیرجان و رفسنجان رایج است، سابقه تولید مشخصی ندارد و هر یک از دست‌اندرکاران پیدایش آن را به یک دوره مرتبط می‌سازد، اما مروری بر سفرنامه‌ها به خصوص *سفرنامه شاردن* این امر را به اثبات می‌رساند که این نوع دوخت در دوره‌ی صفوی در کرمان و واج کامل داشت و برای مصارف مختلف تولید می‌شد (بنی‌یعقوبی، ۱۳۸۶: ۱۴). هدف اصلی از این پژوهش، بررسی و مقایسه دوخت‌ها، نقوش و رنگ‌ها که برگرفته از باورها و اعتقادات مردم هر منطقه می‌باشد، در این دو هنر سنتی دوزی است. در این پژوهش، با نشان دادن نقوش، رنگ و دوخت، به این سوال پاسخ دادم که تفاوت‌ها و شباهت‌های هنر پته‌دوزی و بلوچی‌دوزی در چیست؟ در این مقاله، در ابتدا سوزن‌دوزی و پته‌دوزی را تعریف کرده و سپس به مراحل ساخت این دو هنر پرداخته و در ادامه نقوش، دوخت و رنگ‌های به کار رفته در این دو هنر را با یکدیگر مقایسه کردم.

پیشینه پژوهش

با تحقیق و بررسی‌های انجام شده، متوجه این موضوع می‌شویم کمتر به طور مستقیم به این مقوله پرداخته شده است. از افرادی که به این موضوع توجه نشان داده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دکالی (۱۳۸۵) در مقاله «هنر سوزن‌دوزی زنان بلوچ»، به این نتایج رسیده که مواد اولیه اصلی سوزن‌دوزی نخ و پارچه است، نخ را در رنگ‌های مختلف و بیشتر به رنگ تیره و ۸۰ درصد انواع رنگ قرمز انتخاب می‌کنند. ترکیب رنگ‌ها در هر منطقه‌ای متفاوت می‌باشد و به طور کلی، طرح‌ها به دو دست ساده و مرکب تقسیم می‌شود که از به هم پیوستن چند طرح

ساده طرح مرکبی تشکیل می‌شود.

حسینی (۱۳۹۰) در مقاله «سوزن‌دوزی هنر فراموش شده»، به این نتایج رسیده که در ایران سوزن‌دوزی‌های متنوعی رایج بوده که بعضی از آن‌ها در اثر مرور زمان و بی‌توجهی به اشاعه و احیای این هنرها از بین رفتند. در حال حاضر، در ایران دست کم چهل و دو رشته سوزن‌دوزی رایج است و از نقش‌هایی که در بیشتر سوزن‌دوزی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان به نقوش اسلیمی، ختایی، گل و بوته بازوبندی، لچک ترنجی، نقش جانوران و درختان اشاره نمود.

بنی‌اسد (۱۳۹۰) در مقاله «مروری بر هنر عامیانه پته‌دوزی»، به این نتایج رسیده که ویژگی پته‌دوزی، نسبت به دیگر رشته‌های صنایع دستی و خانگی، ارزش افزوده بسیار بالایی آن است. به این معنا که چون قسمت اعظم مراحل کار را زنان سوزن‌دوز انجام می‌دهند و خود آنان هستند که پشم را می‌ریسند، رنگ‌رزی می‌کنند و برای دوخت به کار می‌برند، سهم دستمزد در قیمت تمام‌شده محصول بسیار بالاست.

یعقوبی (۱۳۹۳) در مقاله «سوزن‌دوزی‌های پوشاک زنان بلوچ، نقش و رنگ»، به این نتایج رسیده که سوزن‌دوزی شاخص‌ترین هنر متداول در میان زنان بلوچ است که در مناطق مختلف بلوچستان رواج دارد و نگاره‌های دوخته شده در نقاط مختلف بلوچستان تفاوت‌هایی در نقش و رنگ با هم دارند، اما فصل مشترک آن‌ها بهره‌گیری از نقش‌های هندسی و خطوط شکسته است.

طالب‌پور (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی نقوش و ریشه‌یابی آن‌ها در پته معاصر کرمان»، به این نتایج رسیده که هنرمند پته‌دوز، نقوش را خواسته یا ناخواسته، با توجه به مضمون و کارکرد نمادگرایانه خود در هر قطعه پته و با نظر به اصل نسبی بودن مفاهیم نمادها، در کنار رعایت اصول سنتی طراحی، در جای مناسب می‌نشانند و ارزش هنر پته‌دوزی را در مجموعه هنرهای ایرانی ماندگار و شایان توجه می‌سازد. استفاده از نقوش نمادین در پته، بیشتر از آنکه برخواسته از اقلیم باشد، برخواسته از کمبودهای طبیعت کویری آن خطه و سرشت طبیعت‌گرایانه مردم منطقه می‌باشد.

رحیمی (۱۳۹۸) در مقاله «شناسایی نقوش سوزن‌دوزی بلوچ‌های ایران از منظر عینیت و ذهنیت»، به این نتایج رسیده که زنان سوزن‌دوز بلوچ در طراحی نقوش طبیعی، ضمن توجه به روابط زیبایی‌شناختی و محیط پیرامون، نقش کارکردی آن‌ها را نیز در تناسب با شیوه

طراحی هندسی مد نظر قرار داده‌اند. سنت به لحاظ عرفی راه، روش یا آداب و عاداتی است که در یک اجتماع نسل به نسل انتقال یافته و از آن‌ها پیروی می‌شود. زیباشناسانه از این سنت‌ها در قالب نشان فرهنگی در هویت بخشی به منظر فرهنگی شهرها، می‌تواند علاوه بر کمک به استمرار فرهنگ، به پیوند منظر شهرها با ریشه‌های بومی و فرهنگی یاری رساند.

مالک (۱۳۹۹) در مقاله «شناسایی نقش مایه‌های مرسوم در سوزن‌دوزی‌های بلوچ»، به این نتایج رسیده که نقش و نگارهای عامیانه در سوزن‌دوزی بلوچ آمیخته با زندگی مردم است. مردم بلوچ این نقش و نگار را به‌عنوان سوزن‌دوزی ارائه می‌دهند، اما مفاهیم ذهنی و عینی زندگی روزمره خود را در آن‌ها بازتاب می‌دهند. این که این نقوش محدود به نمونه‌هایی مشخص و ثابت نیست و همواره می‌تواند در گروه‌های انسانی و حیوانی و با گیاهی و هندسی تغییر شکل دهند، ناشی از آن است که تولید دوباره‌ای صورت می‌گیرد که نشان از زایش طرح و نقش از ذهن هنرمند بومی است که تجربه زندگی خود را در قالب سوزن‌دوزی‌ها به نمایش می‌گذارد.

آبایی (۱۴۰۰) در مقاله «مطالعه و بررسی تنوع هنر سوزن‌دوزی در ایران»، به این نتایج رسیده که طرح‌های مورد استفاده، نقوش هندسی لوزی و مثلث و غیره است و رنگ‌های مورد علاقه بانوان همچون قرمز، مشکی، آبی و سبز تیره و روشن را استفاده می‌کنند. یکی از ویژگی‌های سوزن‌دوزی بلوچ را می‌توان عدم زدن نقش انسان دانست که این امر به دلیل باور و اعتقادات مردم بلوچ است. به همین دلیل، اغلب نقش‌هایی که بر روی پارچه می‌زنند از اشکال هندسی گرفته شده و ساخته ذهن خود بافنده است. تمامی دوخت‌هایی که در بلوچستان انجام می‌شود به صورت افقی و از شمارش تار و پودها انجام می‌شود.

گروسی (۱۴۰۰) در مقاله «معرفی و تحلیل نمادین در نقوش پته کرمان»، به این نتایج رسیده که پته‌دوزی گونه‌ای ویژه از سوزن‌دوزی کرمان است که از قدیم نزد زنان زرتشتی منطقه رایج بوده و تاکنون هنری پرترفدار و خاص محسوب می‌شود. از تاریخچه این هنر اصیل، اطلاع دقیقی در دست نیست که علت اصلی آن، آسیب‌پذیری پته در برابر عوامل طبیعی و آب و هوایی بوده که آثار قدیمی از دسترس خارج شده و امکان پژوهش و بررسی را دشوار نموده است. از نمونه‌های قدیمی برجای مانده، روکش قبر شاه نعمت‌الله، ولی در ماهان کرمان است که محل نگهداری آن موزه آستان شاه نعمت‌الله می‌باشد. در این مقاله، قصد دارم در ابتدا سوزن‌دوزی و پته‌دوزی را تعریف کرده و سپس به مراحل ساخت این دو هنر پرداخته

و در ادامه، نقوش، دوخت و رنگ‌های به کار رفته در این دو هنر را با یکدیگر مقایسه کنیم.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و ماهیت آن، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات، با روش کتابخانه‌ای به همراه مشاهده تصاویر انجام شده و تحلیل با روش کیفی صورت پذیرفته است. همچنین، شیوه نمونه‌گیری، غیر تصادفی و گزینشی است.

سوزن‌دوزی

سوزن‌دوزی از هنرهای زیبا و کاربردی بلوچستان هست که با دوخت‌های سنتی دیگر مناطق ایران کاملاً فرق دارد و به آن بلوچی‌دوزی نیز می‌گویند. سوزن‌دوزی بلوچ که جز هنرهای رودوزی طبقه‌بندی می‌شود، هنری است که طی آن نگاره‌های مختلف بر روی پارچه‌های بدون نقش از طریق دوختن و یا کشیدن قسمتی از نخ‌های تار و پود به وجود می‌آید. رودوزی‌های سنتی باید علاوه بر جنبه زیبایی، کاربردی نیز باشد (یاوری، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

پته‌دوزی

پته پارچه‌ای دستباف است که با دستگاه‌های بافندگی دستی و به رنگ‌های سفید قرمز و سبز تولید می‌شود. پته‌دوزی، نوعی از رودوزی‌های ایرانی است که در آن نقش مورد نظر بافنده با دوخت‌های رنگی بر سطح کار به وجود می‌آید. این هنر خاص زنان است و از دیرباز میان مردم کرمان مرسوم بوده است. این بافته یک اثر سوزن‌دوزی با نخ‌های پشمی به نسبت کلفت دوخته شده بر زمینه پارچه‌ای دستباف و پشمی است که به طور معمول به رنگ قرمز عنابی انتخاب می‌شود (اسفندیاری، ۱۳۷۰: ۱۱۱).

مواد، ابزار کار و مراحل ساخت پته‌دوزی و سوزن‌دوزی

در سوزن‌دوزی به بیش از دو نوع ماده اولیه نیازی نیست که نخ و پارچه هست، نخ‌ها یا از نوع ابریشم و یا پنبه‌ای است که نخ ابریشم کمیاب و گران بوده و کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. سوزن‌دوزان برحسب امکانات و سلیقه خود گاه نخ‌های دمسه فرانسوی نیز که

مرغوب‌تر است استفاده می‌کنند و گاه از نخ‌های پاکستانی بهره می‌گیرند. نخ‌های پاکستانی در این استان بیشتر رواج دارد و این، به علت همجواری با پاکستان هست. هنر سوزن‌دوزی، یکی از انواع هنرهای دستی است که به ابزار کار بسیار کمی احتیاج دارد و مهم‌ترین ابزار کار معمول عبارت است از سوزن که در زبان محلی به آن سوچه گفته می‌شود؛ قیچی که به مقرض موسوم است و انگشتانه یا شستی (دکالی، ۱۳۸۵: ۹۹).

ابتدا پارچه مورد نیاز را برای سوزن‌دوزی به اندازه مناسب برش می‌زنند و طرح کلی را روی آن پیاده می‌کنند؛ بدین ترتیب که پس از پیاده کردن طرح، هر زن یک رنگ را سوزن‌دوزی می‌نماید. اغلب تمام سطح کار را با بخیه‌های رنگین پُر می‌کنند که البته این به صورت کلی نیست، اما در بعضی موارد تنها قسمت‌هایی از پارچه را سوزن‌دوزی می‌کنند. از نظر طرح، سوزن‌دوزی به طرح‌های دکوک پریوال‌دوزی چپی، دوچ سه تاری، چهار تاری، هفت رنگ شش تاری و ده تاری، پرکار مهسوم تمام چوتل، فنوچی دوچ و تیتوک بانوران تقسیم می‌شود و به نقوش نه تاری، پانزده تاری، هفت تاری (هیت تاری و یازده تاری افغانی‌دوزی می‌گویند در سوزن‌دوزی به جای اینکه نام نقش را بگویند هر نقش را بسته به تعداد تاری که برای دوختن آن به کار می‌رود نام گذاری می‌کنند؛ مثلاً برای دوختن نگاره شش تار به کار گرفته می‌شود که به این نقش شش تاری می‌گویند (یعقوبی، ۱۳۹۳: ۵۱-۷۸).

مواد اولیه مورد استفاده در پته‌دوزی را می‌توان به این صورت نام برد:

۱. کرک یا پشم: در گذشته تا حدود ۵۰ سال پیش نخ لازم برای بافت زمینه پته‌دوزی که آن را عریض می‌گویند، از ریسیدن کرک بز به دست می‌آمد، اما امروزه پشم جایگزین آن شده و در برخی موارد، نخ‌های پشمی وارد شده از کشورهای کره، ژاپن و استرالیا نیز در اختیار بافنده‌ها قرار می‌گیرد. در گذشته، از عریض برای دوخت دامن، کت و پالتوهای زنانه استفاده می‌کردند و جنس آن از پارچه پشمی به نسبت ضخیمی بود که مراحل دوخت پته‌دوزی روی آن اجرا می‌شد، در نقاط مختلف کرمان به آن شال پته، شال زمینه یا پارچه زمینه نیز می‌گویند.

۲. ریس: عبارت از نخ‌های پشمی و کرکی است که برای دوخت خریداری می‌شوند. در گذشته، تهیه این ریس‌ها به وسیله چرخ پشم‌ریسی که در اصطلاح عامیانه به «چرخو» معروف است، انجام می‌گرفت. این چرخ دستی از جنس چوب ساخته می‌شد و بر روی دو پایه قرار می‌گرفت. در قسمت راست، چرخ گردونه‌ای وجود داشت که هنگام چرخش، چوب

سمت چپ را به گردش درمی‌آورد و به این وسیله، پشمی را که به دور این چوب پیچیده شده بود، می‌تاباند و نخ‌ی تهیه می‌شد که بسیار ظریف‌تر از ریس‌های امروزه بود. هم‌اکنون عمل بافت این ریس‌ها در شهرهای اصفهان، یزد و تهران انجام می‌گیرد و به صورت دوک‌های بزرگ سفید رنگ به کرمان ارسال می‌شود، در کرمان، این ریس‌ها در کارگاه به وسیله دستگاهی که «کلاف پیچ نام دارد به صورت کلاف درمی‌آید و برای رنگرزی آماده می‌شود. ریس‌ها در رنگ‌های مختلفی به بازار فروش عرضه می‌شوند که اهم آن‌ها عبارت از عنابی مشکی سبز روشن و تیره، نارنجی، زرد، آبی قرمز، ماشی، آبی تیره (سرما‌های)، آبی روشن، لاک‌ی و فولادی است. در گذشته، بیشتر از رنگ‌های تیره برای زیبایی کار استفاده می‌شد؛ چراکه طرح‌های پته، شلوغ یا هندسی نیست و با رنگ‌های روشن جذابیت چندانی پیدا نمی‌کند. تیره بودن رنگ‌ها، نقش را زیباتر می‌ساخت. تعداد تاب‌های ریس در نخ‌های معمولی مورد استفاده نه تاب در هر سانتی متر است که آن را ریس نه تاب می‌گویند. این تعداد تاب برای استفاده در بافت پارچه مخصوص کافی نیست و برای ظریف‌تر شدن تاب‌ها ۲۰ تاب را در هر سانتی متر افزایش می‌دهند (تهامی، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۷).

ابزار دوخت پته را می‌توان به این صورت نام برد:

عریض: مورد استفاده شال پشمی است که نقش خام گرت‌ه‌زنی و رنگرزی روی آن صورت گرفته و آماده برای دوخت است.

سوزن: دوخت پته به وسیله سوزن مخصوص پته‌دوزی انجام می‌شود. این سوزن با سوزن‌های معمولی خیاطی تفاوت چندانی ندارد و فقط از نظر قطر و اندازه سوراخ با آن‌ها متفاوت است.

انگشتانه: برای محافظت از انگشت که به طور مداوم به ته سوزن فشار می‌آورد، استفاده می‌شود.

نخ: ریس‌های رنگی متنوع‌اند و انتخاب رنگ‌ها بسته به رنگ شال، زمینه یا عرض تغییر می‌کند. جنس آن‌ها از کرک و پشم است و در رنگ‌های متفاوت در بازار عرضه می‌شود. قیچی: برای چیدن نخ‌های اضافی هنگام دوخت و پشت عریض استفاده می‌شود (تهامی، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۹).

عمل دوخت در چند مرحله زیر صورت می‌گیرد: ساق‌دوزی که دوخت خطوط اصلی است. آب‌دوزی که دوخت داخل نقوش است. متن‌دوزی یا زمینه‌دوزی که متن با اسلوب خاصی

سوزن‌دوزی می‌شود. مرحله «برگ‌دوزی» و «سایه زدن» با نخ پیرامون گل‌ها و نقش‌هاست. برگ‌دوزی بیشتر در اطراف حاشیه و به طور زیگزاگ صورت می‌گیرد. دوخت فاصله میان طرح‌ها را که شکل‌هایی چهارگوش به وجود می‌آورد، پتک‌دوزی می‌نامند. پتک به زبان محلی به معنی جوانه است. پس از پایان گرفتن دوخت پته را شسته و با استفاده از دستگاهی به نام نورد آن را اطو و آماده فروش می‌کنند (صارمی، ۱۳۸۱: ۱۴۶-۱۴۷).

نقوش پته‌دوزی و سوزن‌دوزی

نقش و طرح یکی از پایه‌های اساسی در سوزن‌دوزی به شمار می‌آید. بنابراین برای هر دوره این یک هویت به شمار می‌رود که معمولاً از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. تغییراتی که در اشکال بلوچی به وجود می‌آید، توسط زنان بلوچ ممکن است بر اساس ذهنیت و نوع سلیقه و تجربیات خود در نقوش باشد و بر اساس آن نقوش را کم و زیاد کنند، اما اصل آن و در واقع، هویت آن نقش هرگز از بین نمی‌رود (فلاح، ۱۳۹۱: ۵۸). فردی که سوزن‌دوزی می‌کند، از نقوشی استفاده می‌کند که ممکن است قبلاً طرحی برای آنان ایجاد نکرده باشد، اما با نهایت ظرافت بر روی پارچه می‌آورد. همچنین برای ایجاد نقش بیشتر سعی می‌شود از عناصر بی‌جان طبیعت استفاده شود تا نقش‌هایی مانند نقش انسان و حیوان و این شاید به علت ایمان و اعتقاداتی است که مردم بلوچ به آن‌ها پایبند هستند اعتقاداتی که آن‌ها را بیشتر برای تعیین نقش به سوی اشکالی سوق می‌دهد که با فرهنگ و مذهب آن‌ها منافات نداشته باشد. تا حد امکان سعی می‌شود از نقوش هندسی استفاده شود، اما با وجود همه این‌ها باز هم نقوشی را که بیانگر نقش انسان حیوان و گیاه باشد، می‌توان در آثار هنر برخی از هنرمندان مشاهده کرد (فلاح، ۱۳۹۱: ۵۹-۶۰).

به طور کلی نقوشی که به کار گرفته می‌شوند عبارتند از:

۱. نقوش انسانی: از این نقوش در هنر سوزن‌دوزی کمتر استفاده می‌شود و این نوع نقش بر روی قالیچه‌ها کاربرد بیشتری دارد.
۲. نقوش حیوانی: برگرفته از انواع حیوانات است که این حیوانات ممکن است در اطراف و خود منطقه وجود داشته باشد؛ مانند نقش حیواناتی مانند طاووس برگرفته از ذهنیات فرد باشد که به خاطر زیبایی آن را به کار می‌برد.
۳. نقوش گیاهی: عدم وجود گل در بلوچستان ذهن سوزن‌دوز را بر آن داشته تا به

نقش‌آفرینی آن بپردازد و با کنار هم قرار دادن چند مربع لوزی، مثلث یا مستطیل انواع گل و نقش‌ها را می‌آفرینند.

۴. نقوش هندسی: نقش‌های هندسی بیشترین کاربرد را نه تنها در سوزن‌دوزی، بلکه در انواع فعالیت‌ها مانند سفال، زرگری و غیره می‌تواند داشته باشد (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۲۲). طرح‌هایی که شامل نقوش‌های هندسی هستند، متنوع‌تر از دیگر نقوش‌اند و در عین سادگی که از آن برخوردارند می‌تواند بسیار زیبا و حیرت‌انگیز باشد. پس نوع طبیعت، آب و هوا ذهنیات، روحیات، آداب و رسوم در تعیین نوع نقش بسیار موثر است و به همین علت است که دوخت و نقش در هر منطقه‌ای با منطقه دیگر تفاوت دارد. معمولاً یک نوع دوخت در یک منطقه نسبت به دیگر نقش‌ها ارجحیت می‌یابد و به عنوان دوخت همان منطقه شود که مسلماً افراد آن منطقه از تبحر بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند (ریگی، ۱۳۹۵: ۷۶).

سوزن‌دوزی و طرح نقش بر اساس شمارش تار و پودها ایجاد می‌شود و نوع کار آن با هم متفاوت است نقش‌هایی را که به صورت ظریف و با مهارت خاصی دوخته می‌شوند، خودکار می‌گویند و به آن‌هایی که درشت هستند و مرغوبیت نوع اول را ندارند، توئی گفته می‌شود که این نوع تقسیم‌بندی در میان بلوچ‌های مکران رواج دارد که می‌توان در عامل قیمت‌گذاری بسیار مهم باشد. همان‌طور که گفته شد، طرح‌های هر منطقه اصالت خاص خود را دارند و سوزن‌دوزی مناطق شمالی بلوچ‌های سرحدی با بلوچ‌های مکران بلوچ‌های مناطق جنوبی استان با هم متفاوتند (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۹).

در قسمت‌های جنوبی، رنگ‌های تیره با نقوش ریز و پر مورد استفاده است، اما در منطقه سرحد از رنگ روشن و نقوش ساده بیشترین استفاده می‌شود. در نقاط مرزی نقوش تحت تأثیر سوزن‌دوزی پاکستان قرار می‌گیرد و به اضافه شود مهم‌ترین محدودیت در هنر سوزن‌دوزی بلوچ استفاده از نقوش هندسی است که بر اساس تار و پود منظم و عمود بر هم دوخته می‌شود. تنوعی که در نقوش به کار می‌رود، کنار هم قرار گرفتن نقش‌ها است که عموماً قرینه‌اند (افروغ، ۱۳۸۸: ۲۵).

طرح‌ها و نقوش پته: نقش به‌عنوان یکی از وسایل ارتباطات بصری که یکی از انواع ارتباطات جمعی است، به دو صورت اتفافی و عمدی، در جوامع به کار گرفته می‌شود و بدون اغراق، پرقدردترین زبان ارتباطی مردم دنیا، زبان تصویر است. زبانی که به‌وجود آورنده تمدن بصری امروزه هست در تقسیم‌بندی نقوش پته، می‌توان چهار دسته نقش اصلی را شناسایی

نمود که عبارتند از: نقوش گیاهی، نقوش هندسی یا انتزاعی، نقوش کتیبه‌ای و نقوش پرندگان (بختیاری فرد، ۱۳۸۸: ۲۱).

نقوش گیاهی در هنرهای متنوع اقوام مختلف، مانند معماری، نقاشی، قالی‌بافی و صنایع دستی حضور غالب دارند. نقش گل و پته از پرمصرف‌ترین نقوش پته کرمان است. پته، باغی پر از گل محسوب می‌شود که بسیاری از گل‌های آن را می‌توان در باغچه‌خانه‌های سنتی کرمان مشاهده کرد. شاید بتوان هنرمند کرمانی را مشتاق‌ترین هنرمند برای ابراز احساس به طبیعت دانست. دلیل این ادعا، قالی، پته و شال کرمان است. گل‌های فراوانی در پته کرمان وجود دارد، اما در بین آن‌ها شاید نقش گل شاه‌عباسی که جلوه‌ای از گل اساطیری نیلوفر آبی است، بیشتر خودنمایی می‌کند (آذریاد، ۱۳۷۲: ۱۲۹).

طرح گل و گلدان: گل در فرهنگ ایران، نماد زیبایی و لطافت است و هر آنچه را بخواهند زیبا و لطیف تعبیر کنند، به گل تشبیه می‌کنند. در میان گل‌ها، شاید دو گل نیلوفر آبی و آفتابگردان بیشترین کاربرد را در هنر ایران به خود اختصاص داده باشند، گل نیلوفر آبی همواره نمادی از آب بوده است (زکریایی کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۴۰). میان گل‌های نقش شده بر پته، می‌توان به نیلوفر آبی اشاره کرد. در هنر پته‌دوزی کرمان، ظهور زیبایی‌های مورد تحسین هنرمند با الهام از گل‌های موجود در دشت، تپه و دره‌های اطراف منطقه، گل‌های میخک، رز، لاله عباسی و گل‌های چند پر، غنچه گل، زنبق و گل‌های گرد، به صورت خمیده و گاه ایستاده، زمانی در حرکت، زمانی در کنار هم جمع شده و زمانی دیگر از هم جدا شده به شکل تک درختچه با همان ملایمت و صفایی که در طبیعت وجود دارد، جلوه‌گر می‌شود (همان: ۱۴۶).

طرح درختی: طرح درختی در پته شامل درخت زندگی یا درخت سرو می‌باشد که معمولاً به همراه محراب در کادرهای مستطیل شکل دیده می‌شود. طرح سرو، معمولاً مختص سجاده و پرده می‌باشد. شکل سرو تا اواخر قرن پنجم هجری به صورت راست قامت بوده و بعد از آن، به صورت خمیده درآمد است. به پارسی درخت سرو را «شروان» گویند. در نگاره‌های تخت‌جمشید، سرو یگانه درخت است. در دوره پارتی و ساسانی، سرو تنها درخت مقدس نیست و اندک اندک از صفحه نقوش بیرون می‌رود. همزمان با ظهور اسلام، سرو از ریشه‌های باستانی جدا شده و به نگاره‌ای زینتی مبدل و از ماهیت مذهبی خود دور می‌شود. در دوره

صفویه، آرایه درخت سرو جایگاه بالاتری می‌یابد و نماد فرمانروایی و قدرت مطلقه می‌شود (نصیری، ۱۳۸۵: ۴۲).

از انواع نقوش هندسی و انتزاعی در پته می‌توان به طرح بازوبندی و ترنج اشاره کرد: طرح بازوبندی: به طرحی گفته می‌شود که به صورت دو بازو به هم وصل شده و در حاشیه پته دوخته می‌شود. نقش بازوبندی از نقوش لوزی ماندی تشکیل شده که درون آن‌ها نیز نقوش یکنواخت هندسی قرار دارد. ساختار این نوع نقش بیشتر لوزی‌های ظریف و ساده‌ای با اضلاع شکسته است که می‌بایستی آن‌ها را دنباله نقوش اصیلی دانست که بر پارچه‌های هخامنشی نقش شده‌اند. طرح بازوبندی، نقشی است برگرفته از شکل بازوبند، گردنبند یا کمربندهایی که در گذشته، ایرانیان به پهلوانان هدیه می‌کردند. این نقش معمولاً در حاشیه پته دوخته می‌شود و در فاصله بین آن‌ها، معمولاً از نقش گل‌ها استفاده می‌شود (پساولی، ۱۳۷۵: ۱۲۱).

طرح ترنج: طرح ترنج، یکی دیگر از طرح‌های انتزاعی و هندسی پته است؛ اغلب به شکل دایره یا فرم انتزاعی برگرفته از لوزی یا بیضی، در وسط پته دوخته می‌شود و در طراحی بیشتر قالی‌های ایران نیز کاربرد دارد. ترنج، یادگار استخرها و برکه‌های باغ‌های کهن است؛ به همین دلیل، در بسیاری از نقاط ایران «حوض» نامیده می‌شود. از انواع ترنج، می‌توان به ترنج بیضی، ترنج گرد یا خورشیدی، ترنج لوزی یا تشتی، ترنج همراه با سرترنج، لچک و ترنج و ترکیب سه ترنج با یکدیگر اشاره کرد (دانشگر، ۱۳۷۶: ۳۲۷).

نقوش کتیبه‌ای: از جمله نقوش کتیبه‌ای مورد استفاده در پته‌دوزی، نقش محراب است که از نظر محققان، نقش‌های محرابی، ریشه در آیین مهر دارند. از محراب، معنی و ریشه درست و قانع‌کننده‌ای در زبان عربی، وجود ندارد. محراب جای پرستش، نیایش یا اعمال مذهبی و آئینی است. طرح محرابی، در پته بیشتر با طرح درخت زندگی همراه بوده است و در تزئین جانماز و پرده مورد استفاده قرار می‌گیرد (حصوری، ۱۳۸۱: ۵۵).

نقوش پرندگان: نقوش حیوانی دوخته شده بر زمینه پته، عمدتاً شامل نقش پرندگانی چون بلبل، طوطی، طاووس و در موارد نادری خروس می‌باشد که هم در زمینه و هم در حاشیه پته دوخته می‌شوند؛ گاه این پرندگان، در دو طرف درخت زندگی، گاه بر روی آن و گاه در کنار گل‌ها به چشم می‌خورند (فیشر، ۱۳۴۸: ۱۹۶).

ترکیب رنگ‌های به کار رفته

رنگ‌های اصلی به کار رفته در سوزن‌دوزی بلوچی سنتی، شامل شش رنگ است. هر چند که در میان زنان بلوچ از قدیم به هفت رنگ رایج است و دوختی که این رنگ‌ها را در خود دارد، دوخته هفت رنگ می‌گویند. دلیل این موضوع هنوز ناشناخته است. شاید در دوران کهن یکی از رنگ‌ها حذف شده است. این شش رنگ، رنگ‌های اساسی دوخت سنتی بلوچی دوزی را تشکیل می‌دهند که شامل قرمز، سبز، قهوه‌ای تیره، سیاه، سفید و آبی می‌باشد. ۸۰ درصد طرح اولیه بلوچی دوزی با رنگ قرمز انجام می‌شود. در واقع، شالوده و اساس طرح اولیه عمدتاً با رنگ قرمز شروع می‌شود و بعد از کشیدن طرح اولیه همچون نقاشی با شش رنگ دیگر پر می‌شود. این یک قانون در بلوچی دوزی است که طرح‌ها به‌طور سه تایی پر شوند پر شدن معادل رنگ‌آمیزی نهایی در نقاشی را دارد؛ بدین صورت که طرح اول قهوه‌ای تیره، طرح دوم قرمز و طرح سوم سفید. سپس فواصل بین طرح قرمز و قهوه‌ای تیره، با سبز پر می‌شود. فواصل مابین طرح قرمز و سفید با آبی پر می‌شود. فواصل مابین طرح سفید و قهوه‌ای با سیاه پر می‌شود و این تکرار همچنان در سرتاسر دوخت ادامه می‌یابد. در بلوچی دوزی رنگ‌ها با قانون مشخص با هم ترکیب می‌شوند. ذکر این نکته ضروری است که این شش رنگ را می‌توان از هر درجه‌ای از آن رنگ به دلخواه تنظیم کرد:

قرمز: منظور از قرمز، یعنی همه مشتقات قرمز همچون مرجانی، گیلاسی، اجری، گوجه‌ای، زرشکی آلبالویی و حتی نارنجی‌های روشن و تیره و حتی زرد است.
آبی: در آبی می‌توان همه مشتقات آبی را به کار برد، یعنی سرمه‌ای، آبی روشن، آبی نفتی و حتی سبز آبی یا فیروزه‌ای.

سبز: در سبز هم همه مشتقات سبز را می‌توان به کار برد، مثل سبز یشمی، سبز پررنگ، سبز چمنی و حتی پسته‌ای.

قهوه‌ای: این مشتقات بالا در قهوه‌ای هم صدق می‌کند و همه انواع مشتقات قهوه‌ای را می‌توان به کار برد، اما معمولاً از قدیم قهوه‌ای خیلی تیره رایج‌تر است.

سفید: سفید را هم می‌توان هم خود سفید و یا رنگ کرمی به کار برد. ترکیب رنگ‌های پررنگ و کم رنگ یا رنگ‌های خیلی روشن یا خیلی تیره بسته به سلیقه و ذوق سوزن‌دوز بلوچ دارد و در بین زنان و دختران بلوچ بر اساس مد و تنوعی که هر سال ایجاد می‌کنند، فرق

می‌کنند. در هر دوره‌ای طیف‌های کم رنگ و پررنگ و یا روشن یا تیره‌ای از این هفت رنگ را مد کنند و می‌دوزند و می‌پوشند (مانی‌تبار، ۱۳۹۷: ۴۳-۴۶).

پته‌های اصیل و قدیمی بیشتر بر زمینه قرمز بوده (تقریباً همان رنگ سرخی که در زمینه فرش‌های قدیمی به آن لاک می‌گویند، البته این قرمز با درجات تیره و روشن در فرش ظاهر شده که متأثر از رنگ‌های گیاهی و معدنی و کلاً منشأ طبیعی دارد). همچنین زمینه غنایی - نارنجی نیز در پته‌های قدیمی کرمان وجود داشته که امروزه کمیاب است، اما با تغییر سلیقه مردم، پته را در رنگ‌های گوناگون شامل زمینه سفید (که امروزه طرفداران زیادی را به خود جلب کرده است) سورم‌های، سبز تیره و روشن و آبی فیروزه‌ای می‌توان دید حتی از نظر نقش نیز تا حدودی زمینه‌های سوزن‌دوزی شده رو به ساده‌گرایی رفته‌اند. مانند پته‌های رومیزی رانر که تنها دو طرف پته طرح‌دار است و به آن سلسله‌دوزی می‌گویند (حصوری، ۱۳۸۱: ۵۵).

جدول ۱: مقایسه نقوش بلوچی دوزی و پته‌دوزی، (نگارنده)

نقوش	هندسی	حیوانی	طبیعی	انسانی	نوع طرح
بلوچی دوزی	متنوع، تناسبات هندسی، مثلث، لوزی، مربع	نقش‌های حیوانی انتزاعی	تبدیل گل‌های واقعی به یک ظاهر نمادین	نقوش انسانی دارد	سه تار، هفت تار، چهار و شش تار یا ده تار
پته‌دوزی	نقوش هندسی یا گل‌های اسلیمی	نقوش حیوانی پرندگان	نقوش بته جقه یا درخت زندگی	نقوش انسانی ندارد	لچک و ترنج و بته جقه

جدول ۲: مقایسه بلوچی دوزی و پته‌دوزی، (نگارنده)

رنگ	ابزار	کاربرد	بلوچی دوزی	پته‌دوزی
جگری تیره، سرخ، نارنجی، سیاه، سفید، سبز و آبی	سوزن، انگستانه، قیچی، پارچه و نخ (نخ ابریشمی، دمسه یا فرانسوی و نخ‌های پاکستانی)	تزیین انواع محصولات هنری که پارچه‌ای باشند، تزیین لباس‌های زنانه بلوچی، آراستن سفره‌های پارچه‌ای، پرده، سجاده کوسن‌ها، رومیزی، مانتوهای رسمی و کلاسیک کیف‌های سنتی، اکسسوری، زیورآلات، رونختی و عروسک‌های بومی	تزیین انواع محصولات هنری که پارچه‌ای باشند، تزیین لباس‌های زنانه بلوچی، آراستن سفره‌های پارچه‌ای، پرده، سجاده کوسن‌ها، رومیزی، مانتوهای رسمی و کلاسیک کیف‌های سنتی، اکسسوری، زیورآلات، رونختی و عروسک‌های بومی	تزیین انواع لباس‌های سنتی زنان، کیف، کفش، اکسسوری، زیورآلات، رومیزی کوسن، پرده، سجاده، مفشو، دکمه‌های تزیینی، سنجاق، سینه، مانتو و صنایع دستی پارچه‌ای
قرمز، شیری، نارنجی، مشکی، سرمه‌ای و سبز	سوزن، قیچی، عریض (پارچه پشمی) و ریس (نخ پشمی)	تزیین انواع لباس‌های سنتی زنان، کیف، کفش، اکسسوری، زیورآلات، رومیزی کوسن، پرده، سجاده، مفشو، دکمه‌های تزیینی، سنجاق، سینه، مانتو و صنایع دستی پارچه‌ای	تزیین انواع محصولات هنری که پارچه‌ای باشند، تزیین لباس‌های زنانه بلوچی، آراستن سفره‌های پارچه‌ای، پرده، سجاده کوسن‌ها، رومیزی، مانتوهای رسمی و کلاسیک کیف‌های سنتی، اکسسوری، زیورآلات، رونختی و عروسک‌های بومی	تزیین انواع لباس‌های سنتی زنان، کیف، کفش، اکسسوری، زیورآلات، رومیزی کوسن، پرده، سجاده، مفشو، دکمه‌های تزیینی، سنجاق، سینه، مانتو و صنایع دستی پارچه‌ای

مقایسه ویژگی‌های نقوش در پته‌دوزی و بلوچی دوزی

۱. اکثر نقوش‌ها برگرفته از تصورات و تخیلات ذهنی هستند.

۲. نقش و نگاره‌ها عامیانه‌اند.

۳. نقش‌ها معمولاً دارای نام خاص نیستند.

۴. طرح‌هایی که در سوزن‌دوزی به کار می‌رود، معروف به سه تازی هفت تازی چهار و شش تازی یا ده تازی هستند.

مقایسه بین دو هنر سوزن‌دوزی بلوچی و پته‌دوزی به این ترتیب است که:

۱. نقوش انسانی در بلوچی دوزی وجود دارد، اما در پته‌دوزی این نقوش وجود ندارند.

۲. نقوش هندسی در بلوچی دوزی از اشکال هندسی به وجود آمده، اما در پته‌دوزی شکل واقعی مانند گل به نقوش هندسی نمادین تبدیل می‌شود.

۳. نقوش حیوانی انواع حیوانات طبیعی در بلوچی دوزی به صورت انتزاعی آمده‌است، اما در پرده‌دوزی به شکل پرنده طبیعی است و در نهایت، وجه مشترک این دو هنر ترکیب‌بندی رنگ‌های طبیعی، متریال، ابزار و کاربرد آن است.

نتیجه

مقایسه هنر سوزن‌دوزی بلوچی با پته‌دوزی کرمان نشان می‌دهد که شباهت‌هایی از لحاظ کاربرد و متریال با یکدیگر دارند. در بسیاری از موارد، مانند طرح، نقوش، رنگ‌ها، انواع دوخت، نوع پارچه و نخ تفاوت‌هایی دارند. ویژگی مشترک آن‌ها در نحوه به‌کارگیری از این هنر است و خاستگاه هر دو هنر را می‌توان به طبیعت انسان حیوان و اشکال هندسی پیوست داد، هر دو برای تزیینات و صنایع دستی پارچه‌ای که برگرفته از فرهنگ و آداب و رسوم منطقه‌ای هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفاوت نقوش در سوزن‌دوزی بلوچی برگرفته از فرم‌ها و صورت‌های نمادین و انتزاعی و همچنین تکرار، ریتم، تقارن و تعادل نقوش هندسی و نقوش حیوانی در قالب مثلث، لوزی، مربع و دایره می‌باشد، در نقوش طبیعی و درختی در پته‌دوزی به بته جقه که اکثر آن‌ها دارای بته زندگی بته جقه یا سرو بودند، می‌باشد هر یک از نقوش دارای خصوصیتی بودند. در این مقاله، با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در این دو هنر به این نتیجه می‌رسیم که هر دو از اصیل‌ترین و معروف‌ترین هنرهای سوزن‌دوزی هستند که با توجه به عقاید و باورهای منطقه و فرهنگ بومی با حفظ ارزش‌های هنری و نمادین توانستند مجموعه‌ای از نقوش و رنگ‌های متنوع بر سطح پارچه‌های اصیل و طبیعی به وجود آورند و در نتیجه، این هنر ماندگار را کاربردی کنند که استفاده از این هنرها منجر به تقویت ارزش‌های

فرهنگی و هویتی می‌شود. مطلب جالب و قابل توجه این هست که چرا هنر پته‌دوزی در مقایسه با بلوچی‌دوزی کمتر در جامعه شناخته شده و حتی نام آن در میان مردم غریب هست، این موضوع به عنوان آینده پژوهش قابل بررسی می‌باشد.

منابع

- آذریاد. (۱۳۷۲). *فرشنامه ایران*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- افروغ، محمد. (۱۳۸۹). *نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران*. تهران: جمال هنر.
- بختیاری فرد، حمیدرضا. (۱۳۸۸). *رنگ و ارتباطات*. تهران: فخرآکیا.
- بنی‌یعقوبی، پروانه. (۱۳۸۶). «پته‌دوزی میراث جامانده از کرمان، اقتصاد وابسته به میراث ملی». *روزنامه سرمایه*. (۵۲۴).
- حصوری، علی. (۱۳۸۱). *مبانی طراحی سنتی در ایران*. تهران: چشمه.
- دکالی. (۱۳۸۵). «هنر سوزن‌دوزی زنان بلوچ». *فرهنگ مردم*. (۱۷).
- زکریایی کرمانی، ایمان. (۱۳۸۸). *گذشته، حال، آینده شال‌های ترمه کرمان*. تهران: فرهنگستان هنر.
- فیشر، ارنست. (۱۳۴۸). *ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی*. ترجمه فیروز شیروانلو. تهران: نصیری، محمد جواد. (۱۳۸۵). *فرش ایران*. تهران: پرنگ.
- یساولی، جواد. (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر شناخت قالی ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.